خبرها

شمایل «گردهمایی تمام قدیسان» به موزه میراث ملی روسیه بازگردانده شد

مهر: شمایل دینی که از موزه میراث ملی روسیه به سرقت رفته بود در یک سطل زباله در سن پترزبورگ پیدا و به این موزه بازگردانده شد. به گزارش آسوشیتدپرس، کشف شمایل چوبی که تصویر قدیسان را به دور مریم باکره نشان می‌داد چند روز پس از اعلام مقامات موزه میراث ملی روسیه صورت گرفت که اظهار داشتند ۲۲۱ شیء با ارزش بیش از ۵ میلیون دلار که به سرقت رفته بودند پیدا شدند. این درحالی است که موزه میراث ملی قدمت اشیای مسروقه را مشخص نکرده است. براساس اعلام رسانه‌های روس، فردی ناشناس پس از تماس تلفنی با مقامات موزه اظهار داشته است که این شمایل چوبی در سطل زباله‌ای نزدیک دفتر پلیس در موزه میراث ملی است. سخنگوی پلیس سن‌پترزبورگ گفت: ما محتاطانه کیسه را خارج کردیم و داخل آن شمایل را یافتیم که در وضعیت مناسبی قرار داشت. این شمایل «گردهمایی تمام قدیسان» نام داشته و اندازه آن ۴۰ در ۳۲ سانتیمتر است. یک گروه از کارشناسان بلافاصله اقدامات خود را در راستای جلوگیری از تخریب آن انجام دادند.

دادگاه فدرال آمریکا به ساخت معبد سیک‌ها رأی داد

مهر: یک دادگاه فدرال ایالات متحده حکم داد که اقدام ایالت کالیفرنیا مبنی بر ایجاد مانع برای ساخت یک معبد سیک در منطقه کشاورزی یا مسکونی نادرست بوده است. به گزارش رویترز، هیات تصمیم‌گیری ایالت کالیفرنیا دوبار متوالی حق ساخت معبد توسط انجمن سیک‌های گورونانک در شهر یوبا، شمال شهر ساکرامنتو را مورد تکذیب قرار داد. این در شرایطی است که نهمین دادگاه منطقه‌ای فرجام‌خواهی با اشاره به قانونی که در سال ۱۹۹۳ در ایالات متحده تصویب شد و به موجب آن پیروان ادیان می‌توانند آزادانه به انجام اعمال دینی خود بپردازند، حکم شورای تصمیم‌گیری کالیفرنیا را نقض کرد. قاضی این دادگاه طی یک نامه سه صفحه‌ای به اعضای شورای تصمیم‌گیری کالیفرنیا تصریح کرد: شورای این شهر باید اجازه ساخت معبد را به انجمن سیک‌های گورونانک اعطا کند، چرا که آن قانون را نقض کرده و برای عمل به آداب دینی سیک‌های این انجمن موانعی ایجاد کرده است.

مکارم شیرازی و سیاست‌های گردشگری

ایرنا: یک مرجع تقلید گفت باید سیاست‌های گردشگری کشور براساس ارزش‌های اسلامی تنظیم شود. آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی پنجشنبه‌شب در دیدار با مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی اظهار داشت:

ملت ایران ملتی پایبند به ارزش‌های اسلامی است و به هیچ عنوان حاضر نیست با هدف مسائل اقتصادی همچون توسعه صنعت گردشگری، این ارزش‌ها زیرپا گذاشته شود. وی ادامه داد: «همه فرآیندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور باید بر مبنای ارزش‌های مذهبی مردم برنامه‌ریزی شود چون عدم توجه به چنین امری سبب اعتراض گسترده آنها خواهد شد.» این مرجع تقلید گفت: «باید مراقب بود که صنعت توریسم به صورت رایج آن در اروپا و آمریکا توسعه پیدا نکند چون ما دارای فرهنگ دینی متفاوتی با آنها هستیم.» آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: ما دارای ثروت‌های خدادادی غنی در کشور هستیم که با برنامه‌ریزی مناسب می‌توانیم از آنها بهره‌مند شویم بنابراین به توسعه صنعت توریسم در صورت نادیده گرفتن ارزش‌های اسلامی کشور نیازی نیست.

ماهنامه مسلمانان فیلیپین منتشر شد

پرتیراژترین روزنامه فیلیپین اقدام به چاپ ماهنامه‌ای هشت صفحه‌ای درباره توسعه، صلح، تجارت و فرصت‌های مسلمانان در میندانائو «محل ظهور اسلام در فیلیپین» کرده است. به گزارش اسلام‌آن‌لاین، امینه رسول سردبیر این ماهنامه در این مورد اظهار داشت: روزنامه موروتایمز دری را برای مخاطبان خود به روی دنیای مسلمانان فیلیپین گشود. وی افزود: این ماهنامه به موضوعات مسلمانان و میندانائو می‌پردازد و مقالاتی درباره فرصت‌های تجاری، هنرها و فرهنگ، دین و تاریخ مسلمانان فیلیپین منعکس می‌کند. سردبیر این ماهنامه اسلامی گفت: این در مجازی به مخاطب اجازه می‌دهد نگاهی به زندگی مسلمانان انداخته و چون دری که هیچ‌گاه بسته و قفل نمی‌شود از غیرمسلمانان استقبال می‌کند. امینه رسول که این ماهنامه را با کمک هیات تحریریه و کارکنان مسلمان منتشر می‌کند، گفت: این پروژه همکاری میان مانیل تایمز و شورای اسلام و دموکراسی فیلیپین است که به عنوان یک سازمان غیردولتی فعالیت می‌کند. اقلیت مسلمان فیلیپین که دارای اکثریت جمعیت کاتولیک است در حدود ۸ میلیون یا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده شده‌اند. سردبیر موروتایمز تصریح کرد: این ماهنامه با هدف تقویت درک بهتر میان مسلمانان و مسیحیان منتشر می‌شود و قصد دارد به رفع باورهای نادرست درباره مسلمانان بپردازد تا مسلمانان و مردم فیلیپین به صورت مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنند.

به مناسبت روز ۲۶ جمادی‌الثانی، سالروز دیدار شمس و مولانا

شمس تبریز تو را عشق شناسد نه خرد!

مژگان ایلانلو

هر فسادی که در عالم افتاد از این افتاد که یکی، یکی را معتقد شد به تقلید یا منکر شد به تقلید.
شمس تبریزی

مزار مولانا در قونیه

محمدبن علی ملک‌داد تبریزی نام کامل مردی است که در تاریخ ادب و عرفان پارسی، شمس تبریزی نام گرفته است، هم او که دیدار شورانگیزش با مولانا مسبب تولد غنی‌ترین اشعار و حکایت‌های عرفانی در شعر ادب پارسی و نقطه عطفی درخشان در تاریخ عرفان اسلامی شد. اگرچه تا پیش از ملاقات اسطوره‌ای شمس و مولانا در روز بیست و ششم جمادی‌الثانی سال ۶۴۲ در قونیه، هیچ اطلاعی از اصل و نسب و پیشینه شمس نبوده است اما اوج توجه مولانا به او سبب شد تا محققان در قرن‌های بعد پس از کشف کتاب مقالات شمس به جزییات بیشتری درباره زندگی و پیشینه این مرد افسانه‌ای پی ببرند و به میزان تاثیرگذاری او در شکل دادن به افکار و اندیشه های مولانا واقف شوند. دکتر محمدعلی موحد در کتاب شمس تبریزی، درباره نام و نشان شمس چنین می‌نویسد: از زندگی شمس تبریز و احوال شخصی او تا آن گاه که مقالات کشف شد خبر مهمی در دست نبود. قدیمی‌ترین مدارک درباره شمس ابتدا نامه سلطان ولد و رساله سپهسالار است و پس از آنها، مناقب‌العارفین افلاکی و این کتاب ها اگرچه درباره خلق و خوی شمس و تفصیل ملاقات او با مولانا اطلاعی به دست می‌دهند اما درخصوص سابقه احول او به اشاراتی کوتاه بسنده می‌کنند. سلطان ولد در این باره اصلاً چیزی نمی‌گوید و سپهسالار در واقع در به روی گذشته شمس فرو می‌بندد و دورباش می‌زند که: «تا زمان حضرت خداوندگار (مولانا) هیچ آفریده را بر حال او (شمس) اطلاعی نبود و الحاله هذه هیچ کس را بر حقایق اسرار او وقوف نخواهد بود.» از مولد و منشاء شمس؛ سپهسالار همین قدر می‌گوید که «مسکن ایشان به تبریز بود.» (شمس تبریزی ص ۳۹) و اما در کتاب فیه‌مافیه درباره شمس چنین نوشته‌اند: «دل ربای فرزند سلطان‌العلما را از «مستوران حرم قدس» دانسته‌اند که «تا زمان خداوندگار (مولانا) هیچ آفریده‌ای را بر حال او اطلاعی نبوده» چون «شهرت خود را پنهان» می‌داشت و خویش را در پرده اسرار فرو می‌پیچید. «جامه بازرگانان می‌پوشید و در هر شهری که وارد می‌شد مانند بازرگانان در کاروانسراها منزل می‌کرد و قفل بزرگی بر در حجره می‌زد. چنانکه گویی کالای گرانبهایی در اندرون آن است و حال آنکه آنجا حصیرپاره‌ای بیش نیست.» (فیه‌مافیه / ص۶۳) درباره اینکه او که بود و از کجا آمد و به کجا رفت تاکنون افسانه های بی شماری در هنر و ادب پارسی سروده شده است و در زبان و ذهن مردم به یادگار مانده، اما بوده‌اند کسانی که به همت و پشتکار توانستند قدری از اخبار سره را از ناسره جدا کند و در قالب اطلاعاتی هر چند کوتاه و ناتمام اما، گرانقدر و پرمعنا آن را برای جویندگان ارائه کنند. که البته اصلی‌ترین منبع برای کسب چنین اطلاعاتی خود کتاب مقالات شمس تبریزی است. در کتاب مقالات اگر چه شمس تبریزی به شرح احوال و معرفی پیشینه خود نپرداخته است اما می‌توان او را از میان توصیفات و خاطرات بازشناخت، توصیفاتی که او به مناسبت‌های گوناگون درباره افراد و اقوال مطرح می‌کند. درباره پدر و مادر شمس تبریزی آن قدر می‌دانیم که او در مقالات آنها را به نازک‌دلی و مهربانی توصیف می‌کند و اینکه آنها شمس را نازپرورده کرده بودند: «این عیب از پدر و مادر بود که مرا چنین به ناز برآوردند.» (مقالات /ص ۶۲۵) گویا شغل پدر او بزازی بوده است و خانواده او از اقشار متوسط جامعه بوده‌اند. دگرگونی احوال او از همان دوران نوجوانی و جوانی مشهود است چنان که در مقالات آورده پدر دل نگران رفتارهای غیرعادی فرزند بوده است. از همه آنچه شمس درباره پدر خود می‌گوید می‌توان فهمید که مابین او و پدر هر روز فاصله و جدایی می‌افتاده و پدر از درک دنیای فرزند عاجز بوده است. فرزندی که راه عاشقی پیشه خود کرده بود. شمس در جایی درباره پدر خود می‌گوید: «نیک مرد بود... الا عاشق نبود، مرد نیکو دیگر است و عاشق دیگر...» (مقالات / ۱۱۹) «پدر از من خبر نداشت. من در شهر خود غریب، پدر از من بیگانه، دلم از او می‌دمید. پنداشتمی که بر من خواهد افتاد. به لطف سخن می‌گفت، پنداشتم که مرا می‌زند، از خانه بیرون می‌کند» (مقالات / ۷۴۰) پدر می‌خواست که پسر فقه بخواند و فقیه سرشناس شود و پسر البته که می‌بایست شمس می‌شد و بر قونیه طلوع می‌کرد. شمس فقه می‌خواند اما در روزگاری که اوج تعصب و جنگ میان پیروان شافعی و حنفی بوده است چنین می‌گوید: من شافعی‌ام ولی این دلیل نمی‌شود که اگر در مذهب ابوحنیفه چیز خوبی یافتم لجاج ورزم و قبول نکنم. (مقالات / ۱۸۳) گویا شمس از همان دوران پیش از بلوغ به جمع صوفیان تمایل پیدا می‌کند و شرح شورانگیزی از تجربه نخستین سماع خود در جمع درویشان بیان می‌کند. شمس تبریزی در محضر اساتیدی چون شمس خویی و نیز قاضی شمس‌الدین خونجی، تحصیل می‌کرده و به سرعت رابطه خود را با آنان قطع کرده و راه دیگری در پیش گرفته است. در برخی منابع آمده است که او بر علوم رسمی نیز تسلط داشته است چنان که در مناقب‌العارفین آمده است: «نفس مبارک او (شمس) همدم مسیحا بود و در علم کیمیا نظیر خود نداشت و در کواکب و قسم ریاضیات و الهیات و حکمیات و نجوم و منطق و خلافی او را لیس کمثله نفس فی‌الآفاق و الانفس می‌خواندند. اما چون به مردان خدا مصاحبت کرد، همه را در جریده لائبت فرمود.» (مناقب العارفین ج ۲ / ص ۶۲۶) او پس از این دوران به سیر و سلوک پرداخت و در نزد پیران بزرگ طریقت به کسب معرفت پرداخت، بزرگانی چون پیر سله‌باف و پیر سجاسی. او پس از این آشنایی‌ها از تبریز بیرون شد و در طلب شیخ کامل برآمد. «من خود از شهر خود تا بیرون آمده‌ام شیخی ندیده‌ام... شیخ خود ندیدم. هست الا من به این طلب از شهر خود بیرون آمدم نیافتم، الا عالم خالی نیست از شیخی... شیخ خود ندیدم. الا این قدر که کسی باشد که با او نقلی کنند نرنجد و اگر رنجد از نقال رنجد، این چنین کس نیز ندیدم. از این مقام که این صفت باشد کسی را، تا شیخی، صدهزار ساله راه است. این نیز نیافتم، الا مولانا را یافتم بدین صفت...» (مقالات ص ۷۵۶) دکتر محمدعلی موحد درباره این سخن شمس می‌نویسد: «شمس اگرچه شیخ کامل در آفاق پیدا نکرد سرانجام کمال را در خود جست و آن را به مولانا انتقال داد. او آن وارستگی را که پله اول کمال می‌دانست در مولانا سراغ گرفته بود.» شمس از تبریز که دیگر گنجایش روح بزرگ او را نداشت بیرون می‌آید و به سیر در شهرهای مختلف می‌پردازد. از آنجا که وی می‌بایست متناسب با شغل و حرفه خود در جایی سکنی گزیند، در هر شهری که وارد می‌شد به فراخور کاری که انجام می‌داد، در محل ساکن می‌شد، تنها این اندازه گفته‌اند که او در خانقاه صوفیان و خانه فقیهان و قضات اقامت نمی‌کرد و گویا از راه معلمی به کسب معیشت می‌پرداخته است چنان که گفته‌اند او شیوه‌ای می‌دانست که براساس آن سه ماهه یک کودک را قرآن خواندن می‌آموخت. (مقالات/ صص ۳۴۳-۳۴۰) سپهسالار می‌گوید: «(شمس) گاه‌گاه شلوار بند بافتی و معیشت از آنجا فرمودی.» (سپهسالار ص ۶۳) و البته باز هم درباره شغل او گفته‌اند که در برخی شهرها بنایی می‌کرده است. (افلاکی ص ۶۹) شمس همچنان خود ذکر می‌کند که در ارزنجان به «فاعلی» (یعنی عملگی) رفته و چون ضعیف بوده کسی او را به کار نگرفته است. (مقالات / ص ۲۷۸) شمس در حدود ۲۰ سالگی تبریز را ترک می‌کند و در حدود شصت سالگی به مولانا می‌رسد و این چهل سال را تماماً به سیر و سفر پرداخته است، سیر و سفرهایی که می‌توان ردپای آنها را در مقالات یافت، از جمله بزرگانی که شمس تبریزی طی سفرهای خود با آنان ملاقات می‌کند می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: شهاب هریوه؛ وی مردی بوده است اهل دمشق که معتقد بود عقل هرگز خطا نمی‌کند. وی معجزه پیامبران را به واسطه عدم هماهنگی با عقل فلسفی انکار می‌کرد و تاسف می‌خورد که چرا پیامبران که خود از بزرگان بوده‌اند، به جای تفکر در حقایق اشیا با جماعت عوام درگیر می‌شدند. فخررازی، اوحد کرمانی و محی‌الدین بن عربی از جمله بزرگانی بوده‌اند که شمس مدتی با آنها نشست و برخاست داشته است. تا آنکه در بامداد روز شنبه بیست و ششم جمادی‌الثانی سال ۶۴۲ به قونیه می‌آید و آن ملاقات تاریخی با مولانا روی می‌دهد؛ ملاقاتی که سخن‌های بسیاری درباره آن گفته شده است و معانی بسیاری از آن حادثه تاکنون پنهان و پوشیده مانده است و جای آن دارد که تا قرن‌ها درباره آن سخن گفته شود، شمس ۶۰ ساله مولانای سی و چند ساله را در محله برنج‌فروشان قونیه ملاقات می‌کند. محله‌ای که بعدها، به شکر فروشان تغییر نام داد و پرسش از مرتبه بایزید بهانه آن آشنایی تاریخی می‌شود. شمس خود در وصف دیدار تاریخی‌اش با مولانا چنین می‌گوید: به حضرت حق تضرع می‌کردم که مرا به اولیای خود اختلاط ده و هم صحبت کن. به خواب دیدم که مرا گفتند که تو را با یک ولی هم صحبت کنیم. گفتم کجاست آن ولی؟ شب دیگر دیدم گفتند در روم است. چون بعد چندین مدت بدیدم، گفتند که وقت نیست هنوز. الا مور مرهونه باوقاتها... مرا فرستاده‌اند که آن بنده نازنین ما میان قوم ناهموار گرفتار است دریغ است که او را به زیان برند. (مقالات ص ۶۱۹) و بدین سان شمس آمد تا مولانای نازنین را از میان قوم ناهموار رهایی بخشد و مولانا تا به آن سرمنزل برسد که شمس در وصف او گوید: والله که من در شناخت مولانا قاصرم. در این سخن هیچ نفاق و تکلف نیست و تاویل، که من از شناخت او قاصرم. مرا هر روز از حال و افعال او چیزی معلوم می‌شود که دی نبوده است. (مقالات ۷۴۰)

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱- مقالات شمس تبریزی، شمس‌الدین محمد تبریزی، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، ناشر خوارزمی
۲- فیه‌مافیه، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، انتشارات سنائی
۳- شمس تبریزی، محمدعلی موحد، طرح نو
۴- مثنوی معنوی

مقاله منتشر نشده‌ای از یادداشت‌های موضوعی آیت‌الله مطهری

اسلام و نیازهای جهان امروز

اصلی است در جهان آفرینش و در اجتماع انسانی به نام اصل احتیاج. آنچه در جهان و در اجتماع به وجود می‌آید ناشی از احتیاج است و آنچه باقی می‌ماند نیز از احتیاج است. هر چیزی که مورد نیاز باشد به وجود می‌آید و باقی می‌ماند و هر چیزی که مورد نیاز نباشد به وجود نمی‌آید و باقی نمی‌ماند. این اصل را به دو شکل می‌توان تفسیر کرد. یکی اینکه احتیاج و مورد نیاز بودن در اصل پیدایش اشیا موثر است که اگر چیزی مورد نیاز نباشد به وجود نمی‌آید و قهراً در بقا نیز مادامی باقی است که مورد نیاز است و همین که از مورد نیاز بودن افتاد محو و نابود می‌شود. به عبارت دیگر - که در حرکت طبعی و قسری گفته‌ایم - حرکات طبعی قابلیت بقا و دوام دارد برخلاف حرکت قسری. چیزی که هست امور مورد نیاز به فرض از بین رفتن، دو مرتبه به وجود می‌آیند. البته نه به این معنی که هر چیزی هم که محو و نابود می‌شود به دلیل این است که مورد نیاز نیست، زیرا گاهی چیزی به علل قسری نابود می‌شود. معنی دیگر اینکه اشیاء ممکن است اصل پیدایش شان بنا بر اصل احتیاج به آنها نباشد، بلکه فقط قابلیت آنها و امکان ذاتی و استعدادی آنها برای پیدایش کافی است که به وجود بیایند ولی برای بقای آنها مورد نیاز بودن آنها شرط بقای آنها است. به عبارت دیگر ملایمت و سازگاری آنها با اشیای دیگر بلکه بالاتر از سازگاری، مورد نیاز بودن آنها و رافع بودن آنها یکی از احتیاجات مجموعه هستی را - که به صورت یک واحد است - شرط ادامه یافتن وجود آنها است. در جهان هستی، یک شیء بدون اینکه وجودش در حفظ و بقای یک مجموعه مفید و موثر باشد و به عبارت دیگر مورد نیاز باشد قابل بقا و دوام نیست. به طور کلی در قرآن کریم حق و حقیقت در نهایت امر پیروز، و باطل، پوچ و از بین رفتنی معرفی می‌شود. این مطلب گاهی به همین صورت پیروزی خود حق بر باطل بیان شده است، مثل: جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً یا: بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق یا: فأما الزبد فیذهب جفاء و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض... و گاهی به صورت پیروزی طرفداران حق بیان می‌شود، مثل اینکه می‌فرماید: و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین. انهم لهم المنصورون. و ان جندنا لهم الغالبون.

این اصل، نوعی خوشبینی به نظام هستی می‌دهد.

مولوی می‌گوید:

هر چه رویید از پی محتاج رُست
تا بیابد طالبی چیزی که جست
حق تعالی کاین سماوات آفرید
از برای رفع حاجات آفرید
هر که جویا شد بیابد عاقبت
مایه‌اش درد است و اصل مرحمت
هر کجا دردی دوا آنجا رود
هر کجا فقری نوا آنجا رود
هر کجا مشکل جواب آنجا رود
هر کجا پستی است آب آنجا رود
آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست
تا نزاید طفلک نازک گلو
کی روان گردد ز پستان شیر او

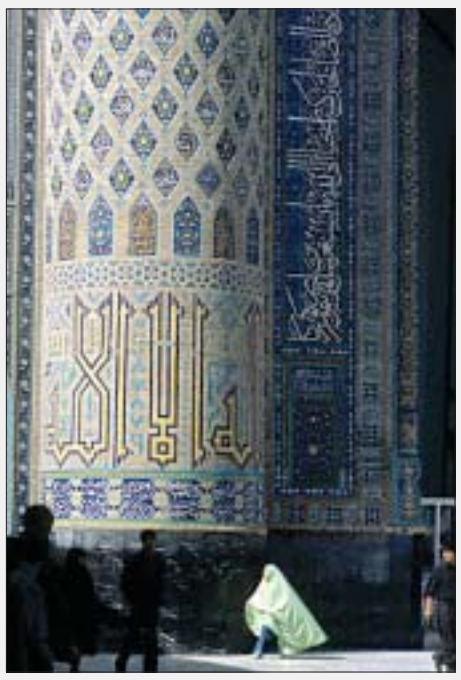

ما درباره این حدیث: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» گفتیم که سه معنی می‌توان برای آن ذکر کرد. یکی آنچه فقها گفته‌اند که انشاء دانسته، از آن استفاده حکم تکلیفی و وضعی کرده‌اند. دیگر اینکه اخبار است. اخبار از چه؟ آیا اخبار از یک واقعیت در مرحله عقل و استدلال و حجت، یعنی اینکه حجت و استدلال و منطق اسلام همواره پیروز است، هر چند در عمل و واقعیت مغلوب باشد؟ یا اینکه در جنگ تنازع بقا که میان عوامل مختلف اجتماعی هست، در نهایت پیروز است و پشتیبان پیروزی او و بقای او و ادامه او اصل نیاز و رفع احتیاجات و هماهنگی با احتیاجات است که: هو الذی أرسل رسول بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون. به عبارت دیگر در تصادم‌ها و تضادهای اجتماعی ناجح و موفق است؟ ما جانب احتمال دوم را ترجیح دادیم. اسلام شخصیت خود را در پاسخگویی به نیازها و در حل مشکلات جهان دیروز و امروز ثابت کرده است. امروز همه سخن در این است که چه عقیده و مرامی و چه آیین و مسلکی جوابگوی حل مشکلات امروز بشر است و این که چه نیازهایی هست؟ البته باز سخن در این نیست که چه میل‌ها و رغبت‌ها و عطش‌های کاذب که غالباً به صورت تمایل به عصیان و سنت‌شکنی و قطع رابطه با گذشته است و یک دنیا تحیر و سرگردانی نتیجه می‌دهد، ظاهر می‌شود. اسلام نیامده است تا عطش‌های کاذب به اصطلاح نسل امروز را فرو نشاند، بلکه خود اینها انواعی بیماری است که باز اسلام است که به این بیماری‌ها شفا می‌بخشد. احتیاجات گاهی به این صورت است که جهان و اجتماع بیمار است و غده‌های چرکینی آن را رنج می‌دهد و نیاز دارد به یک نشتر که غده‌ها را پاره کند و آرامشی نسبی به بیمار ببخشد، آنچنان که کمونیسم کرد، و گاهی علاوه بر آن نیازمند این است که پس از نشتر، بخیه و پانسمان کند و صحت و سلامت کامل به آن ببخشد، اسلام در گذشته، هم نشتر به جامعه گرفتار غده‌های چرکین زد و هم این که اصلاح و پانسمان کرد. قانون تنازع بقا همان‌طوری که در میان جانداران هست در میان مرام‌ها و مسلک‌ها و آیین‌ها نیز هست، و همان‌طوری که در آنجا اصل بقای اصلح حکمفرما است و آن که بیشتر و بهتر رافع نیازها است باقی می‌ماند، در اینجا نیز چنین است. اصل بقای مفید و عدم بقای غیرمفید یک مطلب است که بهترین مثالش در اعضای جانداران در زیست‌شناسی است و بقای متاع‌های مفید در اقتصاد است، از قبیل جواهر و سنگ‌ها و فلزهای قیمتی. و اما اصل بقای اصلح در زمینه تنازع بقا است. آیه «فأما الزبد فیذهب جفاء و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض» ناظر به اصل بقای مفید و نافع است و آیه «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» ناظر به بقای اصلح است، همچنین آیه «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین.» یکی از مشکلات این است که یک چیزی هم دین باشد- و دین، با ثبات و یکنواختی و توجه به گذشته توأم است- در عین حال با نیازهای دنیای نو منطبق باشد. این خصوصیت مختص اسلام است. این خود یکی از جهاتی است که نیاز جهان امروز را به اسلام روشن می‌کند. جهان امروز اولاً به خود دین احساس نیاز می‌کند. ثانیاً به دینی احساس نیاز می‌کند که با نیازهای دیگر هماهنگی داشته باشد، با سایر خواسته‌های طبیعی و غریزی هماهنگی داشته باشد و با نیازهای نویی که در دنیای نو پیدا می‌شود هماهنگی داشته باشد، رابطه انسان را با عقل و علم محکم‌تر کند، با تمدن نیز. در دنیای گذشته دین را بیشتر با تعصب می‌پذیرفتند نه از روی تعقل و احساس نیاز، ولی امروز روی احساس نیاز می‌پذیرند. مسئله‌ای که به نام تفکیک دین از سیاست عنوان می‌شود، عنوان محترمانه‌ای است، ناسزای مودبانه‌ای است به اسلام که جوابگوی نیازهای جهان امروز نیست و اول‌بار این را ترک‌ها با الهام از فرنگی‌ها عنوان کردند. اسلام بینش‌های نو را می‌پذیرد و هدایت می‌کند. یکی از مقدمات و علل و زمینه‌های امیدبخش برای اسلام، شکست ادعاهای نویی است که به نام تازه‌ترین آفریده‌های اندیشه‌های انسان عرضه می‌شود، به طور کلی شکست چیزهایی که به صورت فلسفه، افکار نو، کمونیسم، سوسیالیسم و غیره مطرح شده و دو مرتبه چشم‌ها را متوجه دین کرده است. توام بودن دین و دنیا، جسم و روح، ماده و معنی، فرد و اجتماع در اسلام واضح‌تر از این است که قابل تاویل و توجیه باشد. انکار اسلام، برای اسلام از این ناسزاهای مودبانه به نام تفکیک دین از سیاست قابل تحمل‌تر است.

خبرها

هیچ عاملی ریختن خون بیگناهان را توجیه نمی‌کند

مهر: پاپ بندیکت شانزدهم بار دیگر درخواست خود را مبنی بر آتش‌بس فوری در خاورمیانه مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد که هیچ چیز نمی‌تواند ریختن خون بیگناهان را توجیه کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پاپ ۷۹ ساله از هزاران زائری که برای دیدار هفتگی با پاپ در میدان سنت‌پیتر جمع شده بودند خواست برای خاورمیانه عزیز و منطقه آکنده از شهدا دعا کنند. پاپ گفت: تصاویر حیرت‌انگیزی که اجساد بسیار به‌خصوص کودکان را نشان می‌داد جلوی چشمان ما قرار دارد. من دائماً به قانا فکر می‌کنم و هیچ چیز نمی‌تواند ریختن خون بیگناهان را توجیه کند. روز یکشنبه ۵۲ غیر نظامی که بیشتر آنها را کودکان تشکیل می‌دادند در حمله وحشیانه اسرائیل به دهکده قانا در لبنان کشته شدند. بندیکت شانزدهم اظهار داشت: قلبم پر از اندوه است و باز دیگر درخواست خود را مبنی بر توقف تمام خصومت‌ها و خشونت‌ها تکرار می‌کنم. وی از جامعه جهانی و افرادی که به طور مستقیم در این بحران حضور دارند خواست هر چه زودتر شرایط رسیدن به یک راه‌حل قاطعانه سیاسی را فراهم کنند تا آینده‌ای مسالمت‌آمیز برای نسل‌های بعد فراهم شود. پاپ در حال حاضر در اقامتگاه تابستانی پاپی به سرمی‌برد اما برای دیدار هفتگی خود با مردم در میدان سنت‌پیتر حاضر شد.

شورای جهانی سیک‌ها خواستار دعا برای صلح در خاورمیانه شد

مهر: شورای جهانی سیک‌ها در آمریکا با دیگر گروه‌ها و جوامع دینی این کشور همگام شد و پیشنهاد برگزاری ستاد نیایش برای صلح در خاورمیانه را عملی کرد. دکتر مانوهار سینگ رئیس شورای جهانی سیک‌ها در آمریکا گفت: ما از جامعه سیک می‌خواهیم در معابد خود مراسم نیایشی ویژه‌ای برگزار کرده و همراه گروه‌های بین ادیان محلی خود برای صلح خاورمیانه دعا کنند. وی افزود: ما باید رنج افرادی که این خصومت فزاینده بر آنها تاثیر گذاشته را درک کرده و برای رفاه همه دعا کنیم. ما همچنین باید برای امنیت سربازان حافظان صلح سیک که هم‌اکنون در جنوب لبنان و خاورمیانه فعالیت می‌کنند نیز دعا کنیم. این شورای سیک ستاد «فصل دعا برای صلح خاورمیانه» را با همکاری شورای ملی کلیساها، سازمان ادیان برای صلح و دیگر سازمان‌های مسیحی مسلمان و یهودی تشکیل داده‌اند. نمایندگان دینی مسلمان، مسیحی، سیک و یهودی بیانیه خود را مبنی بر اجرایی کردن نیایش برای صلح امضا کردند. آنها توافق کردند که جامعه دینی در مراسم نیایشی که برای صلح برگزار می‌شود شرکت خواهند کرد. دکتر شانتا پریماواردانا دبیرکل انجمن روابط بین ادیان شورای ملی کلیساها گفت: دعای جوامع دینی برای رنج دیگران موثر خواهد بود چرا که سنت‌های دینی ما از ما می‌خواهد برای رنج دیگران دعا کنیم. به منظور فراهم کردن منابع برای دعاهای جوامع دینی دفتر روابط بین ادیان شورای ملی کلیساهای آمریکا پایگاه اینترنتی تحت عنوان «فصل دعا» راه‌اندازی کرده است که دربرگیرنده متون مقدس، نیایش‌ها، ترانه‌ها و اشعار برای سنت‌های دینی بسیاری است که مناسب بحران کنونی خاورمیانه محسوب می‌شود. این پایگاه اینترنتی دربرگیرنده نیایش‌های اسلام، مسیحیت، یهودیت، سیک، بودیست، هندو و دیگر سنت‌های دینی و همچنین نیایش‌های بین ادیان است.

انجمن جهانی مسلمانان تجاوزات اسرائیل را به شدت محکوم کرد

مهر: دبیرکل انجمن جهانی مسلمانان طی بیانیه‌ای حملات وحشیانه اسرائیل را که منجر به کشتار و زخمی شدن صدها کودک و زن بی‌گناه لبنانی شده به شدت محکوم کرد. به گزارش اسلامیک‌نیوز، دکتر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی دبیرکل انجمن جهانی مسلمانان طی بیانیه‌ای اقدامات متجاوزانه نیروهای اسرائیل و بمباران خانه‌های مسکونی، کارخانه‌ها و تاسیسات حیاتی شهروندان لبنانی را محکوم کرد. طی این بیانیه عبدالله ترکی با بیان اینکه تجاوزات اسرائیل منجر به کشته شدن اقشار مختلف مردم لبنان، ویرانی و نابودی خانه‌های آنها شده، از طرف شوراها، سازمان‌ها و مراکز اسلامی خواستار توقف فوری جنگ در لبنان شد. عبدالله ترکی اظهار داشت که تعداد زیادی نامه و تلگراف از سوی سازمان‌ها، مراکز و شوراهای اسلامی جهانی دریافت کرده است که آنها نیز خواستار توقف جنگ و پناه بردن به شیوه‌های سالم بر اساس قوانین بین‌المللی شدند، همان‌گونه که سازمان ملل متحد و حکومت‌های بین‌المللی تلاش بسیاری برای نجات لبنان از تجاوزات اسرائیل می‌کنند. وی از کشورهای اسلامی خواست به ملت رنج‌دیده لبنان کمک کنند تا میان مسلمانان و ملت آسیب‌دیده لبنان نوعی همبستگی و اتحاد به وجود آید.

نخستین نشست علمی- تخصصی «حجاب و عفاف» در مشهد

مهر: نخستین نشست از سلسله نشست‌های علمی- تخصصی حجاب و عفاف در حوزه هنری خراسان رضوی برگزار شد. این سلسله‌نشست‌ها در پی تاکید اخیر رئیس حوزه هنری درخصوص احیا و پاسداشت حجاب و عفاف در جامعه و توجه به فعالیت و جریان‌سازی در این زمینه با ابزار هنر از سوی حوزه‌های هنری استان به همت معاون محترم آموزش حوزه هنری سرکار خانم بنیانیان سامان یافته است. این مراسم با سخنرانی استاد حجت‌الاسلام‌والمسلمین معمارمنتظرین در پلانوی شهید آوینی حوزه هنری خراسان رضوی برگزار شد. این نشست چهارشنبه ۱۱ مرداد ساعت ۱۹/۳۰ بعدازظهر و پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح و ۵ بعدازظهر برگزار شد.